حماسه های بزرگ هند

مهابهارتا

راماینا

انصاری، شریف

افسانه کریشنا بسیار پیچیده است و امکان ارد که عناصر غیر آریائی در آن نفوذ و رخنه کرده باشد.راما و کریشنا که مظهر کامل‏ ویشنو است از میان طبقه سلحشوران و رزمیان‏ برخاستند.کریشنا بانی مذهب عشق و محبت، پر جذبه و التهاب و مظهر عبادت عرفانی‏ است،عصری که وی در آن ظاهر شد،عصر سوم جهانی یعنی عصر کشمکش خوب و بد، جنگ خدایان و اهریمنان است.

اکنون دوباره به داستان مهابهارتا برمیگردیم.سرانجام دریتا اشترا برادر یا زادگان خویش را به دربار باز خوانده و از پادشاهی خود کناره گرفت و کشور پهناورش‏ را بین فرزندان و برادرزادگان خویش تقسیم‏ کرد.

پنج برادر"پاندو"در محلی معروف‏ به ایندراپراستانا Inderaorasthana نزدیکی دهلی،پایتخت عظیمی بنا کردند

رامایانا نه در صف تاریخ بشمار میرود و نه در عداد تذکره‏ها بل‏که این جزو داستانهای‏ اساطیری هندوان است.ما نمیتوانیم تمدن‏ یونان و ثقافت آنها را کاملا درک کنیم در حالیکه درباره هرکیولس،وینس،پولیس‏ هتکر اطلاعی نداریم.همین‏طور ما نمیتوانیم‏ دهرما یعنی مذهب و نظام اخلاقی و آئین‏ خداپرستی هندوان را درک کنیم آنکه‏ راما-سیتا-بهارتا-لکشمنا-هنومان را کاملا بشناسیم.داستان‏های اساطیری تنها با فلسفه‏ نمیتواند جور شود و نیز مراسم دینی تنها بدون اساطیر کفایت نمیکنند.

راماینا بانضمام‏"مهابهارتا"و "توراناها"ادبیات حماسی هند را تشکیل میدهد راماینا از لحاظ شیوه نگارش و مندرجات از مهابهارتا متفاوت است.

راماینا متعلق به گروه نوشته‏های کاویا (Kav ya) و حماسه ساختگی است و چون راماینا یکی از اولین آثار بدیع اینگونه ادبیات‏ بشمار میآید ازین‏رو آن را آدی کاویا (Adi (Kavya یا نخستین اثر کاویا نام گذاشته‏اند.

"رامایانا"در هند شهرت کم نظیری‏ دارد از شنیدن این داستان احساسات مردم‏ آن‏چنان برانگیخته میشود که میگریند،حتی‏ مهاتما گاندی هرگاه فراغتی مییافت آن را صرف خواندن یا شنیدن راماینا و بهاگوات‏ گیتا میکرد سه قهرمان بزرگ راماینا نمونه فضایل‏ بزرگ انسانی هستند.

"راما"مظهر انسان کامل و متانت روح و مناعت طبع است و نمونه روح عاشق است که‏ به عشق معبود ازلی یعنی‏"سیتا"میسوزد و برای وصول به مطلوب هفت درهء عشق را میپاید"سیتا"مظهر پاکی و پاکیزگی و عشق و معرفت الهی است.بهاراتا،برادر راما مظهر رادمردی و جوانمردی است و این‏ صفت بزرگ‏منشی آنچنان مقبول طبع نسل‏های‏ آینده گردیده که بپاس جوانمردی او سرزمین‏ هند را کشور بهارتا نام نهادند.

مبحث فلسفی‏"راماینا"همان آئین‏ نزول حق در عالم محسوسات است.راما ظهور و تجسم‏"ویشو"خدای محافظ جهان‏ است.

مسئله تعبیر و تأویل این حماسه عقاید گوناگونی بین ارباب تحقیق بوجود آورده‏ است سفر راما به جنوب هند مظهر هجوم و نفوذ اقوام آریائی به جنوب شبه قاره هند است. این مظهر منزله ترویج و بسط فرهنگ آریائی‏ در جنوب هند بوده است.

برخی معتقدند که راماینا معنی تمثیلی‏ دارد و متکی بر علم الاساتیرو دائی است. "سیتا"در ریگ و دابمعنی‏"شیار"آمده و چون مربوط به زمین و کشت و زراعت است پس‏ باید"سیتا"را الههء حاصلخیزی پنداشت.

راما در اصل همان‏"ایندرا"خدای‏ سلحشور دائی بود و سلطان اهریمنان راوانا همان اژدها و دیو قحطی است که در رگ ودا معروف بود.نبرد"راما"با"راوانا"برابر همان نبردیست که بین ایندرا و وریتا صورت‏ گرفته بود و بهمین علت او را کشندهء ویرتبا (Vitaban) نامیده‏اند.

تلگراف محمد علیشاه به سالار الدوله

وقتیکه محمد علیشاه برای بازگرداندن‏ سلطنت خود،از اروپا عازم ایران شد برادرش‏ سالار الدوله هم از طریق کرمانشاه اردوئی‏ فراهم آورد و به قصد تسخیر تهران و بدست‏ آوردن حکومت به جنگ پرداخت.

محمد علیشاه تلگرافی که به سالار الدوله‏ میکند چنین مینویسد:"برادر عزیزم‏ سالار الدوله من با ششهزار سوار به لباس ترکمان‏ برای تهران آمدم.شما هم خیلی زود خود را بدروازه تهران برسانید ابداباردوی تئاتر تهران اعتناء نکنید همه با هم سه هزار سوار بختیاری و غیره است هرچه زودتر خودترا برسان چونکه دیر رسیدن شما میتواند سکتهء بزرگی به نقشه اردوی ما برساند."

ناگفته نماند که هم محمد علیشاه و هم‏ سالار الدوله هر دو شکست خوردند و فرار را برقرار ترجیح دادند.